



سرعت تر شناسنامه‌های قدیمی را تعویض کنید

رئیس سازمان ثبت احوال کشور با تاکید بر لزوم تعویض شناسنامه‌های قدیمی گفت: با اینکه هنوز بازه زمانی برای اجبار تعویض تعریف نشده است، اما توصیه می‌شود افراد هر چه سریع‌تر جهت تعویض شناسنامه‌های قدیمی اقدام کنند. هاشم کارگر درباره اجباری بودن تعویض شناسنامه‌های قدیمی به ایسنا گفت: «سالانه حدود ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۴ میلیون شناسنامه جدید صادر می‌شود؛ اما امکان دارد این شناسنامه‌ها درخواست‌های تکراری هم باشند؛ یعنی مثلاً مواردی که فرد قصد عکس‌دار کردن شناسنامه را دارد یا شناسنامه مخدوش یا مفقود شده است.» او درباره تعیین بازه زمانی برای تعویض شناسنامه‌ها افزود: «قطعاً الزام برای جدید کردن شناسنامه‌ها وجود دارد، در حالی که بازه زمانی برای آن تعریف نشده است؛ توصیه این است که افراد هر چه سریع‌تر مراجعه کنند و شناسنامه‌های جدید را دریافت کنند چرا که باعث می‌شود در کشور راحت‌تر خدمات دریافت کنند و مشکلی برای آنها ایجاد نشود.»



۱۱/۵ میلیون؛ میانگین حقوق بازنشستگان

براساس فصلنامه آماری زمستان صندوق بازنشستگی کشوری، تعداد کل حقوق‌بگیران صندوق تا پایان سال ۱۴۰۲ نسبت به زمان مشابه سال ۱۴۰۱ با افزایش ۵ درصدی همراه بوده که در این میان میانگین کل برقراری‌های حقوق‌بگیران در پایان سال گذشته معادل ۱۱ میلیون و ۵۸۲ هزار تومان بوده است. به گزارش ایسنا، براساس آمار منتشرشده از سوی صندوق بازنشستگی کشوری، تعداد حقوق‌بگیران صندوق در پایان سال ۱۴۰۲ معادل یک میلیون و ۷۱۵ هزار و ۶۵۶ نفر بوده که مقایسه تعداد حقوق‌بگیران صندوق تا پایان اسفندماه سال ۱۴۰۲ به تفکیک بازه زمانی نشان می‌دهد که یک میلیون و ۳۹۷ هزار و ۹۸۹ نفر بازنشسته، ۱۳ هزار و ۴۷۷ نفر از کارافتاده، ۶۱ هزار و ۸۰۷ نفر شاغل متوفی و ۲۴۲ هزار و ۶۱۳ نفر بازنشسته متوفی هستند. تعداد کل حقوق‌بگیران صندوق تا پایان زمستان سال ۱۴۰۲ نسبت به زمان مشابه سال قبل به میزان ۵ درصد افزایش داشته است. در فصل زمستان ۴۵۲۱ نفر از حقوق‌بگیران فوت شده‌اند که همه آنها قبل از این فصل بازنشسته شده‌اند.



شیوع سویه‌های جدید کرونا

رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واکسیناسیون و بهداشت بیابان اینک KP.۳ از سوش‌های جدید کرونا به حساب می‌آید، گفت: «اگرچه ابتلا به KP.۳ در کشور گزارش شده اما شدت این سویه زیاد نیست و موارد حد دربار این سویه گزارش نشده است.» شهنام عرشی با بیان اینکه سویه‌های جدیدی از کووید-۱۹ شیوع پیدا کرده، افزود: «اگرچه سوش‌های جدید کرونا شیوع یافته اما موارد ابتلای حد در اروپا و ایران گزارش نشده است. مواردی مبنی بر افزایش کرونا در اروپا طی یک‌ماه گذشته گزارش شد، اما وضعیت شیوع کنونی کرونا کم است. این سویه، علائم خفیف دارد و با علائم سرماخوردگی بروز می‌کند. با توجه به علائم سوش KP.۳، تمام مراجعه‌کنندگان مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند و به همین دلیل آمار دقیقی درباره تعداد مبتلایان به سویه KP.۳ در دسترس نیست.»



گزارش
اتباع

و غرب و شمال و جنوب) را شامل می‌شوند. اما آمارهای مرکز ملی آمار ایران، بیانگر این است که حتی در این استان‌ها نیز مهاجران افغانستانی حضور دارند. اما ترکیب جنسیتی حضور مهاجران افغانستانی در استان‌های افغانستانی ممنوع، ترکیبی برابر نیست. در این استان‌ها مهاجران به شکل خانوادگی حضور ندارند. در اکثر استان‌های افغانستانی ممنوع، مردان مهاجر ۹۰ درصد از جمعیت مهاجران را به خود اختصاص می‌دهند. اما در استان‌هایی که برای حضور مهاجران افغانستانی مجازند، ترکیب جنسیتی برابری بین زنان و مردان را شاهدیم و حدود ۷۶۸ هزار نفر از مهاجران حاضر در ایران زنان و دختران‌اند. اکثریت مهاجران زن ساکن در ایران زیر ۳۰ سال سن دارند و از نسل‌های دوم و سوم مهاجران به‌شمار می‌آیند و ۴۶ درصد مهاجران زن حاضر در ایران زیر ۱۹ سال دارند؛ دخترانی که در سن تحصیل قرار دارند. ۲۲ درصد مهاجران زن حاضر در ایران در سن ۲۰ تا ۳۰ قرار دارند و ۲۰ درصد از زنان مهاجر حاضر در ایران بالای ۳۰ سال دارند.»

تسلیمیم کبری

جزئیات ردمرزیک زن پژوهشگر افغانستانی و بررسی دلایل موج ردمرزها و افغان ستیزی در ایران

الناز محمدی، سارا سبزی

گروه جامعه

سپیده که بزند، به احتمال زیاد «کبری» چشم‌هایش را آن طرف مرز باز می‌کند، رو به کوه‌های زرد افغانستان، یک آسمان آبی و سایه بدن‌های ماموران طالبان. شاید نگاه اولش بیفتد به باقی‌زن‌هایی که کنارش در ساختمانی در روستای «سنگ سفید» مشهد خوابیده‌اند و حالا دیگر ردمرز شده‌اند. شاید هم هنوز ته‌مانده‌های امید، او را در داخل خاک ایران، جایی که به دنیا آمد و بزرگ شد و درس خواند، نگه دارد.

کبری غلامی، پژوهشگر اجتماعی و درس خواننده علوم اجتماعی، ۳۵ سال در ایران زندگی کرد. درس خواند و کار کرد. برای بهتر شدن وضعیت زنان افغانستانی تلاش کرد و همین دوروز پیش، دست‌بسته و بی‌اختیار، تاب مرز ایران و افغانستان برده شد تا دیگر اینجا نباشد. تصمیم را ماموران پلیس در ایران گرفتند؛ بعد از چندبار فرستادن پیامک به گوشی همراهش برای رعایت نکردن «حجاب» در ماشین شخصی‌اش؛ ماشینی که به دلیل داشتن مدارک اقامتی و پاسپورت دانشجویی در ایران، به‌نام خودش بود اما ماموران گفته بودند در آن خلاف شرع، اقدام کرده و باید به اداره گذرنامه برود. رفت و داستان ماندن او در ایران تمام شد.

خبر را کبری ابتدا به دوست و همکارش، ستاره هاشمی داد؛ آنها سال‌ها در پروژه‌های مشترک درباره زندگی مهاجران در ایران با هم فعالیت کرده بودند. ستاره، صبح پنجشنبه را با تماس‌های از دست‌رفته و پیام‌های کبری شروع کرد. او برایش نوشته بود که پیامک حجاب برایش آمده و وقتی به اداره گذرنامه مراجعه کرده، او را گرفته‌اند و به اردوگاهی در میدان استاندارد کرج برده‌اند. آن هم بعد از آنکه پیش‌تر، به اردوگاه‌اش را از او گرفته بودند. ستاره خیلی زود خودش را به اردوگاه رساند و آنجا پشت درها و میله‌های آن، مردان و زنان متعجبی را دید که سوال می‌کردند چطور یک زن تنها را می‌خواهند سوار اتوبوس و ردمرز کنند. ستاره مردانی را دید که می‌آمدند و بچه‌هایشان را از پشت میله‌ها می‌بوسیدند. بچه‌هایی را که به در لگد می‌زدند و مادرانی را که برای پسران جوان‌شان، دسته‌های پول آورده بودند. ستاره همه اینها را دید، به اضافه کبری را. ستاره و کبری سال ۹۲ با هم آشنا شدند. پایان‌نامه ستاره درباره افغانستانی‌ها بود. آن زمان کبری در انجمن کوشا با زنان افغان سوادآموزی کار می‌کرد. تجربه کارهای مشترکی در محله سرچشمه را داشت؛ محل

زندگی او، پدر، مادر و شش برادرش. برادران کبری همه کار می‌کردند و تحصیل نه. او تک‌دختر و تنها کسی بود که تحصیلتش را ادامه داده بود؛ تا مقطع کارشناسی ارشد علوم اجتماعی از دانشگاه الزهرا. ستاره می‌گوید، کبری ذهن فوق‌العاده خلاق دارد و توانایی بالایی در تحلیل‌تئوریک؛ او می‌داند با زنان افغانستانی چطور صحبت کند. «به‌شدت دغدغه بهبود وضعیت زنان افغان به‌ویژه زنان نسل اول را دارد که به همین دلیل، سوادآموزی مادران را پیش می‌برد. او و دوستانش یک گروه جوانان داشتند که نسل دومی‌ها در آن بودند، در فرهنگسرای خاوران مجموعه‌های سالانه داشتند با مجوز که بعدها جلوش گرفته شد. در ادامه در مقطع ارشد دانشگاه الزهرا قبول شد و مجبور بود حین تحصیل اش کارهای کارگری، خیاطی، تایپ و منشی‌گری انجام دهد چون دانشجویان افغان اگر در دانشگاه سراسری هم تحصیل کنند، باید شهریه بپردازند.»

موضوع پایان‌نامه کبری، هویت‌یابی زنان افغانستانی، تحت‌تأثیر عوامل مهاجرت، ملیت و جنسیت بود؛ همین هم‌پهانه‌ای شد که در همایشی در انجمن جامعه‌شناسی، ارائه‌ای مبتنی بر تجربه زیسته داشته باشد، درباره اینکه چطور ناامنی دائمی زندگی و هویتی همیشه در زندگی‌اش بوده است. او ابتدای متنی که در این همایش ارائه داد، نوشته بود: «مهاجران افغانستانی از اقوام مختلف و با نگرش‌های متفاوت و به دلیل تناسب مذهبی و اشتراکات فرهنگی، به ایران مهاجرت کردند که به‌نظر می‌رسد همین تناسب‌های فرهنگی، آنها را در دایره هویت تاریخی ایرانیان قرار می‌دهند. آنها اشتراکات فرهنگی، زبانی و مذهبی زیادی دارند. در افغانستان قومیت‌های زیادی وجود دارند که چهار قومیت بزرگ آن پشتون، تاجیک، هزاره و ازبک‌ها هستند که دین تمام این اقوام، اسلام و زبان دو قوم تاجیک و هزاره فارسی دری است اما به دلیل رواج زبان فارسی دری، تمام قومیت‌ها تاحدودی با این زبان آشنایی دارند. با این وجود مهاجران افغانستانی به‌علت تعلق‌شان به دولت - ملت افغانستان، از حقوق سیاسی و اجتماعی در ایران محروم هستند.»

داده‌های گزارش کبری، دیگر اطلاعات درباره زندگی مهاجران افغانستانی در ایران را تأیید می‌کرد: «از نظر ترکیب جنسیتی، یک برابری نسبی را بین زنان و مردان مهاجر در ایران شاهدیم ۵۳/۵ درصد از مهاجران حاضر در ایران را مردان و ۴۶/۴۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. بیش از ۹۵ درصد مهاجران حاضر در ایران اتباع افغانستانی‌اند. در ایران، ۱۴ استان برای اسکان مهاجران افغانستانی ممنوع است. این استان‌ها عموماً استان‌های مرزی (مرزهای شرق



کبری غلامی، پژوهشگر اجتماعی و درس خواننده علوم اجتماعی، ۳۵ سال در ایران زندگی کرد. درس خواند و کار کرد. برای بهتر شدن وضعیت زنان افغانستانی تلاش کرد و همین دوروز پیش، دست‌بسته و بی‌اختیار، تاب مرز ایران و افغانستان برده شد تا دیگر اینجا نباشد. تصمیم را ماموران پلیس در ایران گرفتند؛ بعد از چندبار فرستادن پیامک به گوشی همراهش برای رعایت نکردن «حجاب» در ماشین شخصی‌اش؛ ماشینی که به دلیل داشتن مدارک اقامتی و پاسپورت دانشجویی در ایران، به‌نام خودش بود اما ماموران گفته بودند در آن خلاف شرع، اقدام کرده و باید به اداره گذرنامه برود. رفت و داستان ماندن او در ایران تمام شد.

ردمرز با وجود داشتن مدارک

شیمای وزوایی، پژوهشگر ارتباطات و فعال تشکل‌های مردم‌نهاد، یکی دیگر از دوستان کبری است که در روز گذشته، وضعیت او را پیگیری کرده است. او حالا به «هم‌میهن» می‌گوید که فعالان اجتماعی، پژوهشگران و فعالان افغانستانی موضوع را با اداره‌های اتباع و ریاست جمهوری مطرح کرده و آنها اعلام کرده‌اند، در حال پیگیری موضوعند: «پیگیری موضوع ردمرز کبری کمی پیچیده است؛ چون از طریق افرادی صورت می‌گیرد که در سازمان‌های مرتبط کار می‌کنند. ما به‌صورت غیرمستقیم با استانداری و سازمان‌هایی که کبری با آنها همکاری می‌کرد تماس گرفتیم و قرار شد نامه‌ای برزنند. می‌دانیم که کبری هنوز داخل ایران و در اردوگاهی داخل استان خراسان است. آنچه می‌خواهیم این است که اداره اتباع مداخله‌ای انجام دهد؛ چون این ردمرز بسیار سریع انجام شده و هیچ فرصتی برای بازگشت یا اعتراض برای او وجود نداشت. کبری در ایران دانشجوی بوده، در انجمن‌های مدنی فعالیت می‌کرده و مدارک اقامتی هم داشته است، حتی فرصتی نداشت تا به خانواده خودش زنگ بزند یا وکیل داشته باشد.»

وزوایی می‌گوید که کبری نه مشکل اقامتی داشته، نه مدارک شناسایی: «پاسپورت و ویزای او وجود دارد. گاهی اوقات اتباع به‌صورت مستقیم ردمرز می‌شوند، اما ما شنیدیم که احتمالاً شبیه صبح ردمرز می‌شود. تا امروز نتوانستیم با هیچ مسئولی ارتباط بگیریم و امیدواریم بتوانیم پاسخی از آنها دریافت کنیم. این روند مداوم در حال اتفاقی افتادن است و موارد زیادی از دستگیری اتباع داریم که مدارک شناسایی هم دارند. حتی کودک هم ردمرز کرده‌اند.»

در ماه‌های گذشته و با شدت گرفتن ردمرز مهاجران افغانستانی به این کشور، ویدئوهایی از چند اردوگاه منتشر شده که نشان می‌دهد دایره ردمرزها گسترده‌تر شده و دیگر داشتن مدارک اقامتی هم فایده‌ای ندارد؛ موضوعی که پژوهشگران حقوق مهاجران آن را به‌موج‌شدید افغان‌ستیزی در یک‌سال گذشته بی‌ارتباط نمی‌دانند. آرش نصر اصفهانی، جامعه‌شناس و پژوهشگر حوزه مهاجران یکی از آنهاست؛ او در گفت‌وگو با «هم‌میهن» می‌گوید فرآیند اخراج مهاجران از ابتدا کاملاً براساس سلیقه پلیس انجام می‌شود در حالی که می‌تواند فرآیندی براساس قانون و قضایی - دادگاهی باشد که یک قاضی حکم دهد، امکان فرجام‌خواهی وجود داشته باشد و وضعیت فرد بررسی شود: «در مورد کبری، صرف‌نظر از اینکه یک نفر به دلیل نوع حجابش باید از ایران اخراج شود یا نه، بر فرض هم اگر جرمی اتفاق افتاده، باید وضعیت فردی او بررسی شود. مثلاً آن در این شرایط اگر این فرد به کشور خودش برگردانیم،